

«بسمه تعالی»

نویسندگان پرفروش‌ترین کتاب به انتخاب نیویورک تایمز

توصیه‌های پدرپولدار:
به فکر یک تجارت باشید، قبل از اینکه بیکار
شوید

نویسندگان:

رابرت کیوساکی

شارون لیچر

مترجم:

هنگامه خداپنده



انتشارات طاهریان

سروش‌شناسه: کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.

Kiyosaki, Robert T

عنوان و نام پدیدآور: توصیه‌های پدر پولدار: به فکر یک تجارت باشید قبل از اینکه بیکار شوید/
نویسندگان رابرت تی کیوساکی، شارون لیچر؛ مترجم هنگامه خداپنده.

مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص: مصور، جدول.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۶-۸۶-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Rich dad's before you quit your job: 10 real-life lessons every
entrepreneur should know about building a multimillion-dollar business.

موضوع: امور مالی شخصی

موضوع: سرمایه‌گذاری

موضوع: ثروتمندان

شناسه افزوده: لشر، شارون الی

شناسه افزوده: Lechter, Dharon L

شناسه افزوده: خداپنده، هنگامه، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ق. ۱۷۹/ک۹

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۰۲۴

شماره کارشناسی ملی: ۲۰۶۷۰۴۳

«به فکر یک تجارت باشید قبل از اینکه بی‌کار شوید»

• مترجم: هنگامه خداپنده

• ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۱ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

• طرح جلد: آرزو خسروپور • قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۶-۸۶-۳

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک 266، طبقه چهارم، واحد 11

تلفن: 6492733 تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲

هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات، طرح جلد و عنوان مجموعه این کتاب بدون اجازه کتبی ناشر

ممنوع است و متخلفان به موجب قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار

می‌گیرند.

تقدیم به پدر و مادرم عزیزم

(مترجم)

www.ketab.ir

فهرست:

بخش ۱: درس اول پدرپولدار	
فصل ۱: تفاوت میان یک کارمند با مدیر مؤسس چیست؟	۳۷
بخش ۲: درس دوم پدرپولدار	
فصل ۲: هر چه کم عقل تر، ثروتمندتر.....	۶۷
بخش ۳: درس سوم پدرپولدار	
فصل ۳: چرا مجانی کار کنید؟.....	۱۰۵
بخش ۴: درس چهارم پدرپولدار	
فصل ۴: مهارت‌های آموزشی و مهارت‌های تجربی.....	۱۳۳
بخش ۵: درس پنجم پدرپولدار	
فصل ۵: صحبت از پول.....	۱۶۷
بخش ۶: درس ششم پدرپولدار	
فصل ۶: سه نوع پول.....	۲۰۷
بخش ۷: درس هفتم پدرپولدار	
فصل ۷: چگونه از بیزینسی کوچک به بیزینسی بزرگ تبدیل شویم؟.....	۲۴۵
بخش ۸: درس هشتم پدرپولدار	
فصل ۸: وظیفه رهبر یک بیزینس.....	۲۸۱
بخش ۹: درس نهم پدرپولدار	
فصل ۹: چگونه مشتریان خوبی پیدا کنیم؟.....	۳۱۹
بخش ۱۰: درس دهم پدرپولدار	
فصل ۱۰: خلاصه.....	۳۵۵

مقدمه:

چه چیزی عامل تمایز مدیران کارآفرین است؟

یکی از ترسناک‌ترین روز‌هایی که طی عمرم گذراندم روزی بود که از کارم دست کشیدم و رسماً مدیر کارآفرین شدم. در آن روز این نکته را می‌دانستم که دیگر چیزی که از چک حقوقی منظم بیمه سلامت یا طرح بازنشستگی نیست. دیگر نمی‌توانم مرخصی بیماری بگیرم یا تعطیلات با حقوق داشته باشم. از آن روز درآمد من صفر شد و سابقه نداشته‌ام درآمد منظم از تجربیاتی بود که تا بحال در زندگی‌ام مثل آن‌را ندیده بودم. بعلاوه نمی‌دانستم چقدر طول می‌کشد تا بتوانم دوباره چک حقوقی سر ماه را در جیبم بگذارم... شاید سال‌ها طول می‌کشید. لحظه‌ای که از کارم دست کشیدم دلیل این را که چرا بسیاری از کارمندان هرگز به طرف مدیر مؤسس شدن نمی‌روند دانستم. دلیلش ترس از پول نداشته‌ن است..... ترس از درآمد تضمین شده نداشته‌ن است. و دلیلش نداشته‌ن چک حقوقی منظم است. تعداد افرادی که بتوانند ساعات طولانی بدون دریافت پول کار کنند بسیار کم است. مدیران مؤسس با دیگران فرق دارند و یکی از فرق‌هایشان این است که آن‌ها می‌توانند چه پول باشد یا نه نکاوتمندانه فعالیت کنند. از همان روز که استعفا دادم مخارجم هم بالا رفت. بایستی برای شروع کار مدیریتی خودم پارکینگ، انباری اجاره می‌کردم و میز و لامپ و تلفن می‌خریدم و هزینه‌ی سفرها، هتل‌ها، تاکسی گرفتن، وعده‌های غذا، کپی، خودکار، کاغذ، مهر، اقامت، سربرگ‌های حقوقی، پست، بروشور و وصولات و حتی قهوه‌ای را که در دفتر مصرف می‌کردیم می‌پرداختم. بعلاوه بایستی به استخدام منشی، حسابدار،

وکیل، حسابرس یا دفتردار، آژانس بیمه‌ی تجاری و حتی خدمه‌ی سرایدار می‌پردازم. همه‌ی این‌ها هزینه‌هایی بودند که کارفرمایی خودم برای من تقبل کرده بود. تازه آن موقع متوجه شدم استخدام من به عنوان یک کارمند چقدر هزینه‌بر بوده است. من متوجه شدم هزینه‌های استخدام کارمندان بسیار بیشتر از ارقامی است که در چک حقوقی‌شان ذکر می‌شود.

بنابراین تفاوت دیگر میان کارمندان و مدیران مؤسس این است که دسته‌ی دوم بایستی بدانند که چگونه پول خرج کنند حتی اگر پولی نداشته باشند.

شروع زندگی جدید

روزی که رسماً شرکت را ترک کردم در سن خوان پورتوریکو بودم. ماه ژون سال ۱۹۷۸ بود. به این دلیل در پورتوریکو بودم که در جشن کلوپ رؤسای شرکت زیراکس شرکت کرده بودم که طی آن موفق‌ترین افراد و فروشندگان شرکت را معرفی می‌کردند. بنابراین از سواسر نمایندگی‌های شرکت در کشورهای جهان افراد مختلفی دعوت شده بودند.

این واقعه آنقدر فوق‌العاده بود که همیشه خاطرم هست. باورم نمی‌شد شرکت زیراکس صرفاً برای شناساندن فروشندگان برترش به دیگران چقدر پول خرج کرده است. اما با وجود آنکه در جشن بودم اوقات خوشی نداشتم. طی آن رویداد سه روزه به تنها چیزی که فکر می‌کردم ترک کردن کارم بود و از دست دادن چک حقوقی منظم و امنیت شغلی‌ای که در شرکت داشتم. می‌دانستم که به محض تمام شدن جشن شرکت در سن خوان بایستی تک و تنها، دنبال راه خودم را بگیرم. دیگر نمی‌خواستم برگردم و به کار کردن برای شعبه‌ی شرکت در هونولولو یا برای شرکت زیراکس پردازم.

هنگامی که داشتم سن خوان را با هواپیما ترک می‌کردم یک سری وقایع اضطراری برای هواپیمایمان رخ داده وقتی داشتیم برای نشستن در فرودگاه میامی آماده می‌شدیم. خلبان از ما خواست تا سرمان را در میان دستانمان بگیریم و خودمان را برای برخورد احتمالی هواپیما با سطح زمین آماده کنیم.

واقعاً احساس بدی داشتم که اولین روز آغاز کارم به عنوان مدیر مؤسس باید این شکلی شروع بشود همین کم نبود که باید آماده‌ی مردن هم می‌شدم؟ روز اول تصمیم گرفتم من به مدیر کارآفرین شدن شروع چندان خوبی نداشت. البته من تصادف نکردم بلکه ادامه‌ی مسیر را به سمت شیکاگو پرواز کردم تا بتوانم معامله‌ی فروش محصولات خط تولید کیف پول‌های نایلونی خودم را انجام بدهم. دیروز وقت بود که به شیکاگو مرکانتیل مارت رسیدم و چون پروازها تأخیر داشتند مشتری‌ای که با او قرار گذاشته بودم و خریداری بود که از طرف یک فروشگاه زنجیره‌ای صاحب‌نام آمده بود رفته بود. دوباره با خودم فکر کردم که به این روش و اینگونه برای شروع کارم به عنوان مدیر مؤسس خوب نیست. اگر نتوانم این معامله‌ی فروش را جوش بدهم آن وقت هیچ درآمدی نخواهم داشت، هیچ چک حقوقی بدست نمی‌آوردم و حتی نمی‌توانم غذا بخورم. از آن جا که من به غذا علاقه دارم فقدان غذا نداشتم بیشتر از هر چیزی آزارم می‌داد.

چرا بعضی‌ها مدیر مؤسس متولد می‌شدند؟

«آیا افراد مدیر مؤسس به دنیا می‌آیند یا تعلیم می‌بینند که مدیر بشوند؟» وقتی از پدر پولدار نظارش را در مورد این سؤال قدیمی پرسیدم وی گفت «پرسیدن این سؤال هیچ معنایی ندارد. و مثل این می‌ماند که بپرسی آیا افراد کارمند بدنیا می‌آیند یا تعلیم می‌بینند که کارمند بشوند.» سپس ادامه داد، افراد را می‌توان تعلیم داد. آن‌ها را می‌توان مدیر یا کارمند کرد. دلیل اینکه تعداد بیشتری کارمند هستند تا مدیر، این است که مدارس‌ها جوانان را برای کارمند شدن آموزش می‌دهند. به همین دلیل است که بسیاری از والدین به کودکانشان می‌گویند، برو مدرسه و درس بخوان تا کار خوبی گیرت بیاید. من هنوز هم از بسیاری از والدین می‌شنوم که این را می‌گویند. اما هنوز نشنیده‌ام که کسی به فرزندش بگوید برو مدرسه و درس بخوان تا مدیر مؤسس بشوی.

کارمندی پدیده‌ای جدید است

کارمندی تقریباً پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود. در عصر کشاورزی بسیاری از افراد مدیر کارآفرین بوده‌اند. بسیاری از مردم کشاورزانی بوده‌اند که روی زمین‌های پادشاه کار می‌کرده‌اند. آن‌ها به ازای کارشان از پادشاه چک حقوقی دریافت نمی‌کرده‌اند. در واقع آن‌ها مسئله را به نحو دیگری حل و فصل کرده بودند. کشاورز به ازای حق استفاده از زمین به پادشاه مالیات پرداخت می‌کرده است. آن‌هایی که کشاورزی نمی‌کردند به کار تجارت می‌پرداختند یعنی اینکه مدیران مؤسس تجارت‌های کوچک بوده‌اند، مانند قصابان، نانویان و شمع‌سازان. غالباً نام خانوادگی آن‌ها هم نام تجارت‌شان بود. به همین دلیل است که امروزه فامیلی بسیاری از افراد اسمیت است که از روستای بلک اسمیت سرچشمه گرفته است یا بیکر که از صاحبان نانویی‌ها به جا مانده است و یا نام خانوادگی فارم که منعکس کننده‌ی پیشه‌های کشاورزی خانواده‌ی آن‌هاست. آن‌ها مدیر مؤسس بوده‌اند و نه کارمند. بسیاری از کودکانی که در خانواده‌های مؤسسان متولد می‌شدند پیشه‌ی والدین خودشان را در پیش می‌گرفتند و آن‌ها هم مدیر مؤسس می‌شدند. باز هم در اینجا صرفاً مسئله آموزش افراد مطرح است.

طی عصر صنعتی شدن بود که تقاضا برای کارمند شدن بالا رفت. در پاسخ به این تقاضا دولت کنترل وظیفه‌ی آموزش همگانی را به عهده گرفت و سیستم آموزش پרוسی را با طرح و تعدیلاتی به کار گرفت که بر اساس آن بیشتر مدارس در کشورهای غربی امروزه مدل‌سازی شده‌اند. هنگامی که به جستجوی فلسفه‌ی آموزش به سبک پروسه‌ی به‌درازی می‌بینیم که هدف ذکر شده از آن آموزش سرباز و کارمند بوده است.... یعنی افرادی که از اوامر اطاعت می‌کنند و آنگونه که به آن‌ها گفته شده است عمل می‌کنند. سیستم آموزشی پروسه از جمله بهترین سیستم‌ها برای آموزش توده‌های کارمند است. باز هم در اینجا آموزش است که مطرح است.